

فراهم آوردن نوشتارهایی درباره تاریخ و جغرافیا و مردان نامدار سرزمین‌های مختلف و نگارش شهرنامه‌های گوناگون، یکی از سنت‌های علمی فرزندان مسلمان بوده، و آنچه از آن دستاوردها باقی مانده است، گنجینه پربهای شناخت پیشینه ملت‌های اسلامی و غیراسلامی به شمار می‌رود. این روش در دوران معاصر نیز به گونه‌ای علمی‌تر ادامه یافته، و دانشمندان ایالت‌ها و شهرها و متعلقان فرهنگی - به معنای گسترده‌تر - از احوال و آثار سرزمین خود سخن به میان می‌آورند و این خود، نوعی خودشناسی اجتماعی، و تاریخی و جغرافیایی است. دانشوران و پژوهشگران علاقه‌مند خارجی نیز در این باب مطالعات و تالیفات عرضه می‌دارند که به عنوان: شرق‌شناسی، ایران‌شناسی و... از آن یاد می‌شود. کتاب خراسان و ماوراءالنهر از این گونه آثار است که معرفی و نقد آن، بهانه نگارش این مقاله گردیده است.

ارزشمندی و نیز سودمندی پژوهش‌های شرق‌شناسی به طور کلی از هر دیدگاه، علمی و عقیدتی و ضرورت ترجمه پاره‌ای از آنها به زبان فارسی، بی‌آنکه «وحي مُنزل» پنداشته شود، مورد تردید نیست؛ اما در برخی تالیفات از این دست، صرف‌نظر از کمبودها و ایرادهای فنی مطالعاتی (همچون نداشتن روش درست پژوهش و دست نیافتن به تمامی اسناد و مدارک بنیادی و جز اینها) که متقدمان نیز از آن به دور نبوده‌اند، این گونه آثار گهگاه با دو عیب اساسی همراه‌اند که به گمان نگارنده، شاید در آثار مورخان و جغرافی‌دانان مسلمان، کمتر دیده می‌شود و این امر از وجوه برتری «اجتماعیات» ایرانی و اسلامی‌ست.

آن دو عیب عبارت‌اند از:

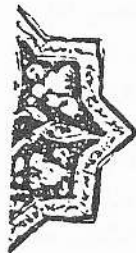
۱ - قرار ندادن منطقه یا شهر در مجموعه فرهنگی که از لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی، به شناخت وظایف اعضای اجتماعی (مطالعه فونکسیون‌ها) و آگاهی به ساختارهای متحول جامعه آسیب وارد می‌کند. و در نتیجه جماعت‌ها و پاره فرهنگ‌ها طوری تصویر می‌شوند که گویی با یکدیگر پیوند ندارند و با فرهنگ سراسری، بی‌رابطه‌اند و اثری از دینامیسم بر دوام جامعه یکپارچه کلی یا «تام»<sup>۱</sup> در آن دیده نمی‌شود.

۲ - داشتن هدف و نیت خاص در جداسازی منطقه‌ها از یکدیگر، برای منافع حساب شده سیاسی و کوشش‌های نارسا در قرار دادن جامعه در چند پارچگی و انکار وحدت اجتماعی و تاریخی مستمر.

عیب نخستین را می‌توان گاه به نارسایی و کمبود مطالعات و دوربودن مفاهیم فرهنگی و تاریخی مشرق از قالب‌های فکری غربیان حمل کرد؛ اما در مورد دوم، سلطه ایدئولوژی ویژه و سیاست حد و رسم یافته و چیره بر مطالعات علمی و اجتماعی را نمی‌توان نادیده انگاشت. متأسفانه، در دهه‌های اخیر، شماری از مترجمان و محققان خودی نیز، به دلیل ضعف‌های موجود در نهادهای تحقیقاتی و شیوه‌های سنتی ارائه بررسی‌ها و یافته‌ها؛ در این دام افتاده‌اند. به

# خراسان وماوراءالنهر

از: دکتر ناصر تکمیل همایون



تقدیم به:  
مردم سرزمین‌های خراسان بزرگ که  
نقشبندی شکوه‌مند در آفرینش فرهنگ  
په یار و دین‌پای ایرانی سرعبد  
دانشه‌اند. با آرزوی رهایی از سلطه  
و تلاش برای مرزهای آزاد و سرشار  
از زندگی.

## خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه)

نویسنده: آبلینسکی

عضو هیئت‌مدیره باستان‌شناسی آکادمی علوم روسیه

مترجم: دکتر پرویز ورجاوند

استاد دانشگاه تهران



فردوسی  
تهران، ۱۳۴۴

روش ذهنی و گمان‌پرورانه، تبیین نگردید. مطالعه بسیاری از آثار تاریخی، فرهنگی و اجتماعی محققان شوروی که به فارسی ترجمه شده، چگونگی این شیوه خاص پژوهش و نگارش را معلوم می‌دارد و گاه با وجود انبوه نکته‌ها و اشارات درست و منابع و ارجاعات دقیق و پیشرفته، چنان یکسویه، مغرضانه و سیاست‌پسندانه به نظر می‌رسد (به ویژه در اسلام‌شناسی و تاریخ معاصر) که بی‌هیچ گزافه‌گویی، بخشی عظیم و عمدتاً از آن را غیر قابل تأمل می‌سازد. در کنگره بیست و پنجم شرق‌شناسان (مسکو - ۱۹۶۰ م.) با این که «استالین زدایی» در تحقیقات اجتماعی ارائه شده توسط دانشمندان شوروی سابق به فراوانی صورت پذیرفته بود، اما موازین یادشده، همچنان به روشنی آشکار گردید.<sup>۱</sup>

کوتاه سخن، با وجود عیب و نقص نسبی در روش تحقیقات و شناخت اسناد و مدارک (نوع اول) و نیز دیدگاه ایدئولوژیک و از پیش حساب شده سیاسی (نوع دوم)، مطالعه درباره منطقه‌های گوناگون سرزمین ایرانیان، از دوره حکومت سیاسی/ فرهنگی استالین، نزد دانشمندان روسی رواج بسیار یافت و در زمینه‌های باستان‌شناسی، تاریخ، جغرافی، ادیان و مذاهب، احوال شاعران و نویسندگان و آثار آنان، اوضاع اجتماعی و اقتصادی و حرکت‌های سیاسی و عقیدتی ساکنان بخش‌های مختلف این سرزمین، تالیفات و تصنیفات عرضه شد که البته بر تمامی آنها در همه زمینه‌ها نمی‌توان خط بطلان کشید و آنها را مخدوش اعلام کرد؛ بلکه باید به اصطلاح جدید «محور اصلی و اساسی و مسلط»

را پیدا کرد و در نظر گرفت. خطی که سیاست روسیه شوروی سابق در داخل منطقه به شکل‌های گوناگون به کار می‌برد چون کشتار جمعی و سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش؛ جابجایی و کوچاندن مسلمانان از منطقه‌ای به منطقه دیگر؛ تلاش در روسی کردن فضای اسلامی شهرها و روستاهای مسلمان‌نشین؛ کوشش در دگرگون کردن زبان‌های مردم و رواج گویش روسی و همچنین تغییر خط فارسی به خط روسی و قطع پیوندهای تاریخی و فرهنگی با گذشته؛ پدید آوردن کشورهای جدید و در هم ریختن زندگی اقوام گوناگون به قصد جدا کردن شهرهای ریشه‌دار ایرانی همچون سمرقند، بخارا، خیوه، خجند و قبادیان از یکدیگر، و تغییر نام بسیاری از شهرهای تاریخی به روسی و جز اینها. در پهنه بین‌المللی سیاست و فرهنگ نیز پیگیری‌هایی از خود نشان می‌داد که در واقع، بسیاری از تالیفات و نوشتارهای علمی «آکادمی»‌های آن، زمینه‌ساز هدف‌های سیاسی در مجامع بین‌المللی به نظر می‌رسید و زیرکانه به منصفه ظهور درمی‌آمد. داستان فراهم آوردن کتاب‌هایی در باب «آسیای مرکزی»؛ یکی از آنهاست.<sup>۲</sup>

اما یکی از کتاب‌هایی که به عنوان نمونه، از طرف یکی از «آکادمیسین»‌های احتمالاً «حزبی» اتحاد شوروی سابق انتشار یافته و مربوط به سرزمین‌های ایرانی خراسان و خوارزم و ماوراءالنهر است، خوشبختانه توسط آقای دکتر پرویز ورجاوند مترجم فاضل و استاد آشنا به مباحث طرح شده در کتاب به زبان فارسی درآمده است، و خواننده با خواندن کتاب و توضیحات مترجم، هم به مطالب علمی آن معرفت می‌یابد و هم از گمراهی‌ها به دور می‌ماند. این کتاب «یکی از ۲۷ جلد کتابی است که توسط مجموعه "ARCHAEOLOGIA MUNDI" در زمینه معرفی معتبرترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی جهان، زیر نظر «ژان مارکاده» JEAN MARCADE» استاد دانشگاه بُردو، از سوی انتشارات

نظر می‌رسد، با درج مقدمه‌ها و یا افزودن فراهای روشنگرانه بر متن ترجمه شده چنین کتاب‌هایی، بتوان این دشواری را از میان برداشت. اینان، جدای از آن گروه‌اند، که در جایی از ترجمه، یادآور می‌شوند که: «مترجم با تمامی برداشت‌های مولف موافقت ندارد. در عین حال، معلوم نمی‌دارند با کدام «برداشت» موافقت دارند و با کدام «برداشت» مخالف‌اند؛ و در هر محفلی، سخن به تراخور سلیقه و پذیرش حاضران به میان می‌آورد که البته این کار، به علمی است و نه اخلاقی.

این ویرانگری‌های فرهنگی، از زمانی که مغرب زمین و نظام‌های سیاسی سرمایه‌داری و لیبرالیسم، به شناخت مشرق زمین و سلام پرداخت، پدید آمد و در پیوند با «خود مرکز پنداری اروپا»<sup>۳</sup> دیگر سنت‌های ریشه‌دار غربی، تحول یافت.

روسیه تزاری نیز، همچون یک کشور اروپایی و مسیحی دهنده، با سرزمین‌های ایرانی و اسلامی برخوردار داشت و سیاست مطالعاتی «خود درباره کشورهای همجوار را، بر مواسته‌های «سیاسی» بنیان نهاد. نوشته‌های پژوهشگران پرفسور رتولد درباره خاورشناسی روسیه و اروپا،<sup>۴</sup> همچنین خط و ربط محققان روسی در کنگره سوم شرق‌شناسان (پترزبورگ - ۱۸۷۶ م.) هادی بر این مدعا است.<sup>۵</sup>

پس از تغییر نظام سلطنتی تزارها به حکومت شوروی همان است مطالعاتی در خط ایدئولوژی جدید ماتریالیسم تاریخی نوع کسبستی ادامه یافت و در زمان زمامداری استالین به حد افراط رسید. در این دوره، نه تنها گرایش‌های دینی و مذهبی و اندیشه‌های ی؛ هنرها و پدیده‌های عاطفی و ذوقی، و نیز تاریخ و جامعه و صاد از نظرگاه مارکسیستی بررسی و «توجیه» شد، بلکه علوم معی و ریاضی و حتی مکانیک و ستاره‌شناسی نیز بدور از این





معروف «نازل - NAJEL» انتشار یافته است. در این مجموعه که جمعی از پژوهشگران و دانشمندان معروف، مسؤولیت هر جلد را بر عهده داشته‌اند، کار تنظیم کتاب‌های مربوط به ایران کنونی، قفقاز، سبیری جنوبی و آسیای میانه - مرکزی - هم برعهده دانشمندان «روس» گذارده شده است» (ص ۵)

نویسنده کتاب، «الکساندر بلنیتسکی ALEXANDRE BELENITSKY» که از استادان مشهور شوروی سابق است، عضو «انستیتو باستان‌شناسی آکادمی» و «در زمینه آثار منطقه، صاحب نوشته‌ها و پژوهش‌های قابل توجه است که بخشی از نوشته‌های او در کتاب تاریخ ایران از دوره باستان تا سده هجده که اثری نوشته شده توسط چهار تن [پنج تن] از دانشمندان شوروی سابق، سال‌ها پیش (۱۳۴۶ ش، به همت موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) توسط آقای کریم کشاورز ترجمه شده است» (ص ۶)

این کتاب اثری دیگر است از وی در باستان‌شناسی با عنوان: ASIE CENTRALE که به فارسی، خراسان و ماوراءالنهر نامیده شده و شامل مطالب زیر است:

- مقدمه

- بخش اول: پیش از تاریخ آسیای مرکزی

- بخش دوم: دوران آغاز تاریخ

- بخش سوم: دوران کوشان‌ها

- بخش چهارم: از دوران کوشان‌ها تا حمله عرب

- بخش پنجم: باستان‌شناسی بعد از کوشان‌ها (عهد ساسانی)

- بخش ششم: چند مسأله بزرگ

مترجم محترم پس از سرآغاز، درباره نام کتاب (خراسان بزرگ، ماوراءالنهر و ترکستان) مقدمه‌ای روشن‌گرانه دارد و در پایان (بخش هفتم) بر نتیجه‌گیری‌های نویسنده کتاب، نقدی نوشته است که برای خوانندگان ایرانی بسیار سودمند است.

همچنین دو جدول جامع مقایسه‌ای مربوط به تمدن‌های خراسان بزرگ و ماوراءالنهر بر کتاب افزوده شده است. ۱۴۳ تصویر سیاه و سفید و رنگی نیز در این اثر چاپ شده که در پایان کتاب، شرح هریک از آنها آمده است. دو نقشه جغرافیایی، کتاب‌شناسی و فهرست اعلام کتاب، بی‌تردید پژوهشگران را مدد فراوان می‌رساند.

\*\*\*

پرفسور بلنیتسکی در این کتاب کوشش کرده است تا بر بنیاد ایدئولوژی خاص مُتبع خود، چند مسأله را اثبات کند که اهم آنها عبارتند از:

الف - منطقه خراسان و ماوراءالنهر از لحاظ فرهنگی از سرزمین ایران جداست.

ب - تمامی احکام مارکسیستی بر جامعه ماوراءالنهری (آسیای میانه) به گونه جامعه‌ای طبقاتی، صادق است.

ج - در حرکت تاریخی بر مبنای بینش ماتریالیسم دیالکتیک، دوران برده‌داری بر این جامعه حاکمیت داشته است.

چ - مذهب زرتشت از لحاظ تاریخی/ فرهنگی، با جامعه مزبور پیوند برقرار نکرده است.

چنین به گمان می‌رسد در این موارد چهارگانه، مولف نه تنها از لحاظ علمی توفیقی به دست نیاورده، بلکه گاه به دلیل مطالبی که در همین کتاب آمده، دچار تناقض‌گویی شده است.

نگارنده، پس از ذکر اشاره آقای دکتر ورجاوند به کلیت و چگونگی تدوین و عرضه کتاب، آن چهار مورد و تناقض‌های آشکارشان را به اختصار برمی‌شمارد. «در این کتاب مانند دیگر آثار باستان‌شناسان روس، تا آنجا که موضوع مربوط به معرفی آثار یافته شده است، کار از اعتباری بالا برخوردار است ولی همین که نویسنده به تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری می‌پردازد، دیدگاه علمی او، تحت تاثیر قالب‌هایی پیش ساخته قرار می‌گیرد که از نظر ایدئولوژیک، در خط تایید جهان‌بینی ماتریالیسم تاریخی و تقسیم‌بندی‌های مورد قبول مارکسیست‌ها حرکت می‌کند و با تلاش بسیار می‌کوشد، تا یافته‌های مختلف را در قالب‌های معین جای دهد و در راستای مورد نظر تفسیر کند» (ص ۶)

نخستین نکته از لحاظ سیاسی، نام منطقه است. در دایرةالمعارف روسیه تزاری [انتشار یافته در میان سال‌های ۱۸۹۰ - ۱۹۰۴ م] نشانی از واژه آسیای میانه یافت نمی‌شود، و خواننده با در عنوان ترکستان و ماوراءالنهر روبروست؛ اما در دایرةالمعارف بزرگ شوروی [انتشار یافته در سال ۱۹۵۷ م] واژه روس ساخته «آسیای میانه - SREDNIAIA AZIA» به کار رفته است و نه «آسیای مرکزی - TSENTRALANIA AZIA».

بر آگاهان روشن است که واژه «آسیای مرکزی»، واژه‌ای است با بار جغرافیایی و تا اندازه‌ای علمی و مورد قبول؛ یعنی منطقه‌ای گسترده، که تا شرق کوه‌های پامیر ادامه دارد و شامل چندین کشور است. اما واژه جدید که روس‌ها به کار برده‌اند، واژه‌ای است با بار سیاسی و فقط جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی را دربرمی‌گیرد که تا ماههای پیش، به گونه‌ای زیرسلطه روسیه قرار داشتند.

پروفیسور بلنیتسکی معتقد است، پس از اکتشافات جدید باستان‌شناسان معلوم شده، «سرزمین آسیای میانه از ده‌ها هزار سال پیش مسکون بوده است در حالی که این نظر چندی پیش به وسیله برخی محققان رد شده بود» (ص: ۶۱ و ۶۲).

در جایی دیگر بر اساس نمای فرهنگی منطقه در دوران هزاره چهارم بیان می‌دارد: «بر اساس این تابلو، تمدن ترکمنستان جنوبی جزء تمدن‌های شرق باستان که به نام «تمدن سفال نقش‌دار» معروف است، منظور می‌گردد». (ص ۶۸). در صفحات بعد به گونه‌ای روشن تر می‌نویسد: روابط موجود میان این فرهنگ‌ها [فرهنگ‌های آسیای مرکزی] با خارج از منطقه‌شان، با توجه به فضایی که به آن وابستگی دارند، متفاوت است؛ چنانکه به طور معمول، رابطه و پیوند فرهنگ‌های ناحیه غربی، به سوی مراکز کهن تمدن ایرانی و بین‌النهرین متوجه است. در حالی که تمدن‌های شمال شرقی، با ناحیه شمال [منطقه وسیع استپ‌ها که تا حوضه [= حوضه] پایین رود ولگا و تا مرزهای شرقی قزاقستان امتداد دارد] در ارتباط بوده‌اند» (ص ۷۷)

بدیهی است فرهنگ‌ها از ویژگی‌های جغرافیایی، تاثیر می‌پذیرند. در ایران زمین، نظر به موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی، شرق کشور تحت تاثیر فرهنگ هندی و چینی و غرب آن، از فرهنگ اقوام مدیترانه‌ای متأثر بوده است. همچنان که آنها نیز از فرهنگ ایران تاثیر پذیرفته‌اند. اما هماهنگی و همسویی در کلیت فرهنگی است که ایرانیان را از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب در یگانگی و همجواری قرار داده است.

پروفیسور بلنیتسکی در بخش‌های پایانی کتاب خود به این





«نه در دوران پیش از اسلام و نه مدتی پس از آن، آسیای مرکزی به صورت جدای از سرزمین‌های همجوار زندگی نکرد، و هنر آن هرگز در یک محیط بسته تحول نیافت» (ص ۲۵۳)

وی می‌افزاید: «آنچه در این منطقه به ظهور رسید، حاصل برخورد و تماس با فرهنگ اقوام مجاور بود؛ همسایگانی که دارای روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک، با آن ناحیه بودند» (ص ۲۵۳ - ۲۵۴).

اختلاف مولف کتاب با علمای واقع‌بین در اینست که او نمی‌خواهد یا نمی‌تواند واژه‌های «یگانگی و هماهنگی» را به جای روابط سیاسی و اقتصادی بسیار نزدیک» به کار برد. از این رو، در دوران تاریخی - یعنی پیدایش هخامنشیان - با اینکه در جایی معتقد است اطلاعات فراوان وجود ندارد و در جای دیگر کینه‌توزانه اعتقاد دارد که هنر هخامنشی «به طور کامل تحت نفوذ خارجی قرار داشته» (ص ۲۴۹) اما به این نکته نیز باور دارد که همین اطلاعات ناچیز، گواه بر نفوذ ژرف تمدن دوران هخامنشیان بر زندگی ساکنان آسیای میانه، در تمامی زمینه‌هاست. (ص ۸۲).

در زمانی که به فرغانه شرقی و حفاری‌های منطقه اشاره دارد، می‌نویسد:

«طبقه مربوط به آثار دوران هخامنشی اغلب در عمق بسیار زیاد به دست می‌آید که کاوش آنها کار مشکلی است» (ص ۹۷)

اگر در حفاری‌های منطقه آثار هخامنشی به دست می‌آید، و در کل منطقه این آثار «گواه بر نفوذ عمیق تمدن دوران هخامنشی در تمامی زمینه‌ها بر روی زندگی ساکنان آسیای میانه است» چرا پروفیسور بلنیتسکی این منطقه را از کلیت جغرافیایی و فرهنگی خود خارج می‌کند؟

وی در جای دیگر، من باب مثال، شهر مهرداد کرت را، که نخستین پایتخت اشکانیان است و از لحاظ معماری و هنری پایش‌دهنده یک شهر اشکانی است، «یونانی» معرفی می‌کند (ص ۱۰). تاریخ منطقه و جهان، دوره‌ای را به نام «ساسانی» ثبت کرده است. به کار نبرد این واژه علمی که مورد قبول جهانیان است و به نای آن آوردن عنوان «دوره بعد از کوشانها» معلوم می‌دارد که رولف واقعاً روش عینی و علمی را بکار نبرده است و از نفوذ قانونهای غیرعلمی» نتوانسته است به دور بماند. عجیب‌تر اینکه در ضیقات استاد نامبرده «رستم» که مظهر قهرمانی و مردانگی و نمای خشان حماسه‌های ملی ایرانیان است، و قرن‌ها هر ایرانی در هر ای ایران عظمت خواهی و استقلال‌طلبی خود را با نام آن پهلوان ستانی سیستان درآمیخته می‌سازد، فقط به گونه قهرمان بزرگ حماسه سیت‌های آسیای مرکزی» مطرح می‌شود (ص ۲۲۳)

دومین ادعای مولف کتاب که در دیگر آثار محققان شوروی سابق نیز به چشم می‌خورد تحقق دوره فئودالیسم در تقسیم‌بندیهای وار تاریخی ایران است. طبق برداشتهای مارکسیستی، پس از پایان دوره برده‌داری مرحله تاریخی فئودالیسم آغاز می‌شود و از آن با پیدایش شهرها و فعالیت‌های شهری و صنعتی طبقه جدید رورژوا نشأت پیدا می‌کند و در نبرد با «فئودالیسم» به پیروزی می‌رسد تا اینکه از درون نظام اقتصادی و سیاسی آن (= رژوازی) طبقه کارگر با روشهای انقلابی به حکومت می‌رسد.

در این باره محققان جدید، حتی نومارکسیستهای اروپایی، کالانی وارد کرده‌اند و اروپا را در جمع «یکسان» نمی‌دانند و

تحولات اجتماعی را «یک خطی» نمی‌شناسند. اما در مورد ایران معلوم نیست چرا محققان تاریخ‌شناس روسی از این تحلیل مخدوش و باطل شده دست برنمی‌دارند؟ معلوم نیست چگونه جامعه‌های اروپایی که در دوره پیش از نخستین مرحله فئودالیسم ایران قرار داشتند، متحول و متطور شدند و به کمال سوسیالیستی رسیدند، اما جامعه ایران، با آن همه تحولات عظیم تاریخی، هنوز هم در «چنبر فئودالیه» اسیر مانده است؟

پروفیسور بلنیتسکی می‌نویسد:

«در تشکیلات اجتماعی این دوران [ساسانیان] نقش اول را طبقه دهقان یا زمین‌داران بازی می‌کنند. دهقانان به طور عمده در قلعه‌های خود زندگی می‌کردند و هر یک از آنها قشون کوچک خصوصی داشتند که مرکب بود از اشخاص مزدور. در هنگام جنگ دهقانان دسته نظامی خود را در اختیار شاهزاده قرار میدادند. این دهقانان یادآور ارباب «سینیور»های اروپای قرون وسطی هستند. اما در حالیکه در اروپای غربی منافع شهرها به شدت با منافع فئودال‌ها در تضاد بود، به نظر نمی‌رسد که در آسیای مرکزی اشرافیت فئودال و زمین‌دار هرگز با طبقه تاجر در تضاد و برخورد قرار گرفته باشد» (ص ۱۷۰) در این برداشت با اینکه اثرات عالمانه پروفیسور بارتولد در مولف مشهود است و با اینکه بیان می‌دارد برعکس اروپای غربی، جامعه شهری ایران با منافع فئودال‌ها تضاد ندارد و فئودالها [زمین‌دارها] هرگز با طبقه تاجر [بورژوا] برخورد نداشته‌اند، باز تحلیل کلی مبتنی بر قالب‌های از پیش ساخته مارکسیستی است.

سوم: پروفیسور بلنیتسکی به سان بسیاری از محققان شوروی سابق به حکم اعتقادات جزمی خود از دوران بردگی نیز گفتگو کرده است. با اینکه بسیاری از انسان‌شناسان تاریخی و باستان‌شناسان، اعم از خودی و بیگانه (حتی پاره‌ای از مارکسیست‌ها)، - نظام برده‌داری را از دو نظر تولیدی و خدمت‌مندی مورد مطالعه قرار داده‌اند و جنبه‌های تولیدی را بیشتر مخصص جوامع یونانی و رومی دانسته و برده‌داری مشرق زمین و برخی از کشورهای آسیایی را خدمت‌مندی ذکر کرده‌اند. باز در کتاب آمده است:

«اینکه بتوان با یاری گرفتن از داده‌های باستان‌شناسی به حل این مسائل پرداخت مشکل است با وجود این مدارک باستان‌شناسی تنها مدارک برای شناخت دوران آغاز تاریخی و مسئله طبیعت و چگونگی طبقه‌های مختلف اجتماعی به شمار می‌روند.

عقیده مورخان اتحاد شوروی اینست که در آسیای مرکزی اولین جامعه‌ای که براساس یک سیستم طبقاتی تشکیل می‌یابد، جامعه‌ای بوده براساس برده‌داری. با تکیه بر این نظریه، به موضوع تحول امر شبکه آبیاری در آسیای مرکزی نیز اشاره می‌کند تنها به کمک جمع کثیری از بردگان است که می‌توان چنین شبکه عظیم آبیاری را به مورد اجرا درآورد» (ص ۲۴۷)

تحلیل تاریخی نظام‌های سیاسی در آسیا و مسائل کشاورزی و آبیاری (رودخانه و قنات‌ها) «نارسایی منطق ضدعلمی و حتی غیرمارکسیستی استالین را در برابر منطق «شیوه تولید آسیایی» (MODE DE PRODUCTION ASIATIQUE) که از سوی طرفداران وی تبلیغ می‌شد ثابت کرده است و در این باب مولف کتاب نیز خود اعتراف دارد: «اما تعداد بسیاری از دانشمندان با این نوع دلیل متقاعد نشده و یا دست کم آن را قابل



انطباق با آسیای میانه نمی‌دانند. از این رو مسأله همچنان مطرح است» (ص ۲۴۷)<sup>۶</sup>

چهارم: مسأله اعتقادات مذهبی همیشه در ایران به علت وسعت و تنوع جغرافیایی به گونه‌ای بوده است که در عین وجود یک مذهب اکثریت و سراسری، مذاهب و فرقه‌های دیگر نیز به صورت «اقلیت‌ها» امکان حیات داشته‌اند و غالباً عنصرهایی از مذهب حاکم بر کلیت جامعه در مذاهب و فرقه‌های کوچکتر وارد می‌شدند و در تطورات تاریخی خود به صورت عناصر جدید و تلفیق یافته پایدار می‌ماندند. در دوران باستان، مذهب زرتشت مذهب همگانی و سراسری جامعه ایران بود، در عین حال در بخش‌هایی از سرزمین ایران، ادیان بودایی، نصرانی، یهودی، و مذاهب و فرقه‌های دیگر وجود داشته‌اند، خاصه در آسیای مرکزی که به قول پروفیسور بارتولد «محیط وسیع گذشت و اغماض» بوده است (ص ۲۵۶)

پروفیسور بلنیتسکی یک جا می‌نویسد:

«درست است که بنا بر منابع نوشته، مذهب زرتشت به میزان وسیع در این منطقه گسترش داشته است، اما دیگر مذاهب مانند بودایی و جامعه‌های مسیحی نیز در بعضی از نواحی از شکوفایی برخوردار بوده‌اند» (ص ۱۷۱) و جای دیگر می‌گوید:

«نظریه‌ای که در اروپای غربی مانند اتحاد شوروی مورد تأیید می‌باشد عبارتست از اینکه زرتشت در آسیای مرکزی تولد یافته (بلخ - خوارزم) و همچنین در آنجا مذهب خود را ترتیب داده است و بالاخره اینکه مذهب زرتشت مذهب مسلط مردم بومی منطقه بوده است. بنابراین کوشیده‌اند تا داده‌های باستان‌شناسی را براساس برخی قسمت‌های اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان تفسیر کنند» (ص ۲۵۴، ۲۵۵) در صفحه بعد به علت‌هایی که مورد تأیید باستان‌شناسان قرار ندارد. داده‌های باستان‌شناسی موجود در آسیای مرکزی را در پیوند با نهادهای مذهبی زرتشت ناتوان دانسته و می‌نویسد:

«اگر تمامی این دلایل منفی، کافی برای این نیستند که وجود مذهب زرتشت را در این ناحیه نفی کنند، دست کم می‌توان گفت که مذهب مزبور آیین مسلط منطقه نبوده است» (ص ۲۵۶)

تولد زرتشت در منطقه، ترتیب اصول مذهبی در منطقه، گسترش مذهب زرتشتی در منطقه، شناخت آثار علمی محققان و اشاره به آنها در باب «مسلط بودن» در منطقه، هیچکدام نتوانسته‌اند مؤلف را در مسیر علم و واقعیت قرار دهد. چه آموزش‌های آکادمی علوم شوروی سابق به گونه‌ای است که اگر مذهب زرتشت، آن سان که بوده، یعنی یگانه و گسترده و مسلط شناخته شود، تعبیر و تفسیر جامعه‌شناختی آن چنین خواهد بود که بیان ایدل‌لژیک «ملت واحد» است و در آن صورت جامعه وسیع ایرانی وحدت و همجوشی دارد و این واقعیت تاریخی خلاف روش و گرایش متبع و مطلوب مؤلف کتاب است که توسط وی و پاره‌ای از مشتشرقان و ایران‌شناسان شوروی سابق، به نام «تحلیلهای علمی و مارکسیستی» بسیاری از واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی ما را مخدوش ساخته است.<sup>۷</sup>

ترجمه کتاب (با اینکه متن فرانسه یا انگلیسی آن در دست نگارنده نبود) به نظر روان و سلیس می‌رسد. موسسه نشر گفتار و مترجم دانشمند کتاب و مصححان محترم و کارگران عزیز چاپخانه، در فراهم آوردن چنین کتابی نفیس و هنرمندانه (۳۲۴ صفحه به قطع

وزیری، با عکسهای رنگی و سیاه و سفید در صفحات ۱۷۳ تا ۲۴۵) در شرایط سال‌های جنگ تحمیلی، زحمتهای زیادی کشیده‌اند که باید مبارک باد گفت و سپاسگزار آنان بود.

در چاپ دوم کتاب، پاره‌ای از واژه‌های فرنگی که دارای معادل فارسی هستند چون تابلو - فامیل - زیگراک - ماتنهای بدون آستین - هال - اسکیس - شماتیزه - هفتالیت - هلنستیک - سیستماتیک‌داورگانیک - پودر و جز اینها اگر تغییر یابند شاید بهتر باشد. همچنین برای سالهای میلادی «ق م» (قبل از میلاد یا پ م پیش از میلاد) و «م» (میلادی یا بعد از میلادی) و در موارد مربوط به تاریخ معاصر اگر همراه با سالهای هجری شمسی باشد و در دوره‌های قدیم‌تر اسلامی همراه با سالهای هجری قمری، برای خوانندگان سهولت بیشتری در شناخت زمان به وجود می‌آورد.

به استثنای چند مورد سهوالقلم، یک بار جابجایی نامهای آمودریا و سیر دریا (جیحون و سیحون) (ص ۱۳۷)، یک بار تبدیل ترکیب «اعتقادات الحادی» به ضد خود یعنی «اعتقادات الهادی» (ص ۲۵۶)، «حوزه سیاسی» به «حوضه» (ص ۱۵) یا بالا و پایین شدن نقطه‌های کلمات: بنجیکت (ص ۲۳)، خرنلخیه (ص ۲۴)، وراود (ص ۲۹)، بر روی هم در تمام کتاب غلط چاپی دیگری دیده نشد و با اینکه در ظرافت و استعمال حروف دقت بکار رفته، لکن گاه حروف لاتین در واژه‌های گوناگون با یکدیگر هماهنگی ندارند. (ص ۲۰)

استاد محترم آقای دکتر پرویز ورجاوند، چون در برگرداندن این کتاب فقط نقش مترجم را ندارند، خوانندگان با علاقه از ایشان توقع دارند که در چاپ دوم کتاب، مقدمه فاضلان خود را مفصل‌تر، پرمحتواتر و بارورتر نمایند و با استفاده از منابع دست اول (به سان دیگر تالیفات ارزنده خود) خاصه کتابهای پرارزش جغرافیدانان و مورخان اسلامی و سند دادن به شیوه علمی، همچنین دادن بعض توضیحات لازم برای غیرمتخصصان و نوکاران، با صبر و شکیبایی و حوصله بیشتر، مشتاقان آثار خود را به فیض و ذوق برسانند. نامهای جدید «روس ساخته» را در پیوند با نامهای کهن تاریخی بیاورند، در بیان داستان قهرمانی ریشه‌دار هندی، پانچاناترا (PANTCHANTRA) به زبان سغدی (ص ۲۲۰) یا داستان شیرین دیگری در همان صفحه، کلیله و دمنه را بیاد خوانندگان جوان بیاورند، یعنی همان کاری را که در بسیاری صفحات به خوبی انجام داده‌اند و کتاب مزبور را که به گمان نگارنده حتی از آثار درجه اول علمی شوروی سابق نیست، به حد یک کتاب معقول رسانده‌اند.

\* \* \*

کتاب یا سقوط ساسانیان پایان می‌پذیرد و سرگذشت «سمرقند چوقند» و «بخارای قبه اسلام» ناتمام می‌ماند، اما نه برای همیشه. زمانیکه کتاب خراسان و ماوراءالنهر را مطالعه می‌کردم، این جمله‌ها بر تارک کتاب، در وجودم شوقی و حالی ایجاد کرد:

«تقدیم به مردم سرزمین‌های خراسان بزرگ که نقشی شکوهمند در آفرینش فرهنگ پربار و دیرپای ایرانی برعهده داشته‌اند، با آرزوی رهایی از سلطه و تلاش برای فردایی آزاد و سرشار از زندگی»

اما در روزهای اقامت خود در بخارا، وقتی پیرمردی با ریشهای سفید، در کنار فرزندان و نوادگان خود، دست مرا صمیمانه در دستش جای داد و با لهجه‌ای دلنشین گفت:



و بچه‌ها مصراع دوم را با صدای بلند خواندند، دانستم که آن «شوق و حال» بی‌دلیل نبوده و در این سوی «ایران زمین» نیز «خبرها» بی‌است، این واقعه قبل از «کودتای ۲۸ مرداد شوروی سابق» بود!

اما امید فراوان به رستاخیز فرهنگی مردم رنج‌دیده و سرکوب شده و ررافتاده از برادران و خواهران، امّا پایدار در اصل و نسب، مقاوم در همه سختی‌ها، و منتظر و مشتاق برای پیوندها و یگانگی‌ها، سیر در کتاب، پایان می‌پذیرد.



نوشت:

1 - Ensemble

2 - Fonctions

3 - Structures

4 - Globale

5 - Europeocentrisme

- خاورشناسی در روسیه و اروپا، ترجمه حمزه سردادور، تهران، ابن‌سینا (۱۳۵۰)

7 - Travaux de la Troisiem Session DU Congres International Des Orientalistes . Saint- Petersburg, 1-10 Septembre 1876, vol. - Saint - Petersburg:

1879 - 1880.

8 - Troude Dvadsat Peatogo Megdounapodncrfo Congress Vostoclvedov MOSKVA, 9 - 16. Avrousta 1960, 4 vol., Moskv 1962 - 1963

از سالها پیش، سیاست علمی روسیه در این مسیر بود که از طریق زمان فرهنگی یونسکو و با تأیید دانشمندان جهان و از جمله ایران، انتشارهایی درباره ماوراءالنهر و خراسان (آسیای مرکزی «میانه») انتشار داد و از این طریق، جدا بودن منطقه را از سرزمین مادری و فرهنگی خود آنان بقبولاند. این فعالیت از سال ۱۳۴۵ شکل سازمانی یافت و به نام: «جمن بین‌المللی مطالعه فرهنگ‌های آسیای مرکزی»

INTERNATIONAL ASSOCIATION FOR THE STUDY OF THE CULTURES OF CENTRAL ASIA

انده شد.

ها بعد با تمام اهمال و بی‌توجهی دولت وقت ایران، به کمک رایزن فرهنگی یونسکو در آسیا که خوشبختانه از ایرانیان هوشمند و با علاقه به فرهنگ ایران بود، در انجام این مطالعه به ایران، افغانستان، پاکستان، هند، ولستان و پاره‌ای از کشورهای عربی یادآوری‌هایی شد و آنان نیز به هیئت انجمن مزبور درآمدند.

دوره انقلاب اسلامی و با وجود گرفتاری‌های داخلی، مسولان فرهنگی و در این مسأله توجه کردند و کوشیدند در فعالیت‌های یونسکو در باب کتاب‌های مربوط به آسیای مرکزی (۶ جلد، طرح تیورین - TIURIN، ۱۹۷۳ م) به ویژه در مورد جلد ششم که متعلق به دوره معاصر (از قرن دهم بدین سو) شرکت داشته باشند. انجام طرح مزبور مدتی به تعویق افتاد. اینکه دیگر بار از سوی یونسکو، تلاش‌هایی تازه به ظهور رسید و از چند قق و مورخ ایرانی نیز برای نگارش بخش‌هایی از آن دعوت شد که قاعده

از طرف کمیسیون ملی یونسکو در ایران و مسولان محترم وزارت فرهنگ و آموزش عالی درباره سابقه این طرح و راهیابی‌های عالمانه در نشست‌های بین‌المللی، همچنین ابواب و فصول کتاب و دیگر مسایل، آگاهی‌های دقیق و لازم به اطلاع علاقه‌مندان به فرهنگ و تاریخ ایران و اسلام خواهد رسید. تا آنجا که آگاهی در دست است، پس از پایان «چهارمین اجلاس کمیته بین‌المللی تحریریه تاریخ تمدن آسیای مرکزی» که از ۲۹ ژوئن، ۴ ژوئیه ۱۹۸۷ در مقر یونسکو در پاریس تشکیل شده بود، نماینده ایران با کوشش‌های خود توانست بیش از گذشته، از حقوق فرهنگی و تاریخی منطقه دفاع کند و محققان ایرانی را نیز در تهیه این امر سهیم دارد. در همین زمینه، هم اکنون علاوه بر طرح مزبور، طرحی دیگر به نام «جاده ابریشم» به منظور شناخت اثرات جهانی فرهنگ ایران و اسلام با کمک کمیسیون ملی یونسکو در ایران و موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در دست انجام است که بسیاری از استادان ایرانی در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی، با آن همکاری دارند.

۱۰ - برای آگاهی بیشتر - آبیاری در ترکستان تالیف و - بارتولد ترجمه کریم کشاورز - تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۵۰ ش

۱۱ - برای آگاهی دقیقتر - «تاریخ ماد و منشأ نظریه دیاکونف» (مقاله) نوشته دکتر محمدعلی خنجی، راهنمای کتاب سال ۱۰ (تهران ۱۳۴۶ ش ضمیمه شماره ۳)

۱۲ - برای آگاهی بیشتر - آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز) تالیف عنایت‌الله رضا - تهران، انتشارات ایران زمین، ۱۳۶۰ ش

باید سیاست‌گذار استاد فرزانه آقای عبدالحسین زرین‌کوب بود که از طرف موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، پاسداری از تمدن و فرهنگ ایران را در جلسات متعدد در یونسکو بر عهده داشتند.

بسیاری از کتابها و نشریاتی که می‌خوانیم با این وسیله حروفچینی و صفحه‌آرایی می‌شوند:

## نرم افزار انتشاراتی نقش

Version 4.5

نگارش ۲/۵

- فونت ادیتور مخصوص**  
می‌توانید فوتیهای اختصاصی خود را طراحی کنید.
- استخراج فهرست اعلام**  
کلمات علامت‌خورده را با ذکر شماره صفحات و به ترتیب الفبا فهرست می‌کند.
- محاسبه هزینه حروفچینی**  
سطح و هزینه کار حروفچینی شده را محاسبه و گزارش می‌نماید.
- امکان تنظیم اعرابها**  
موقعیت ۱۵ حرکت مختلف را نسبت به هر حرف تنظیم نماید.
- چاپ با تمام جایگراها**  
پشتیبانی چاپگرهای Epson LQ و HPLaserJet III, IIIi, IIIsi و HP DeskJet با معادل آنها.

- غلط‌یاب املاتی فارسی**  
املای صحیح بیش از ۲۰۰۰۰ لغت مورد استفاده فارسی را می‌شناسد.
- خط کشی خودکار جداول**  
جدولها را با یک فرمان خط‌کشی می‌کند.
- چاپ تصاویر**  
تصاویر را در میان متن چاپ کنید.
- تنوع فونت فارسی و لاتین**  
کامپست، لوتوس، بدو، زر، مخصوص نیتزر، Roman Times و Helvetica ...
- استفاده از حروف ترکیبی**  
برای متون ادبی قدیمی یا عربی.
- حروف مایل از همه فونتها**  
مایل به راست یا مایل به چپ.

موسسه انتشارات صابرین

تهران، خیابان شهید بهشتی، خ. میرزا، نکسا، ۵ - کد پستی ۱۵۷۸۸ - تلفن: ۸۵۴۱۹۶